

غیبت و پیامدهای اجتماعی آن بر جامعه

مریم جنامی^۱

چکیده

غیبت یکی از گناهان و لغزش‌های بزرگ زبان است و در روایات بسیاری هم این عمل را زشت تقبیح کردند و عذاب سختی برایش بیان گردیده است. قرآن این گناه را همچون خوردن گوشت برادر مرده توصیف کرده است و علاوه بر ارتکاب غیبت گوش دادن به غیبت نیز حرام است. اهمیت این موضوع از آن جایی است که اثرات غیبت به بی‌نظمی اجتماعی و بروز می‌شود که افراد دچار سردرگمی خواهند شد و هیچکس وظیفه خود را نمی‌داند یا نمی‌تواند بر طبق آن عمل کند. در این مقاله به بررسی برخی از پیامدهای اجتماعی و فردی غیبت و علل و عوامل غیبت بر اساس تعالیم اسلامی و با توجه به آیات قرآن کریم پرداخته شد. هدف از تحقیق حاضر بیان آیات و روایات و بهینه سازی روابط اجتماعی، تقویت همبستگی خانوادگی، حفظ حرمت و کرامت افراد و در نهایت ایجاد جامعه سالم و پویا است. روش گردآوری مطالب در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی مورد نگارش قرار گرفته است که در اسلام از عوامل انحطاط و خسران فرد و جامعه تلقی می‌شود که موجب اختلال در بهداشت روانی فرد و وحدت و انسجام جامعه می‌گردد.

کلید واژه: غیبت، پیامدهای اجتماعی، جامعه

^۱ - سطح دو، حوزه علمیه ریحانه النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) jnamymhdy69@gmail.com

مقدمه

غیبت کردن و غیبت شنیدن از رذایل اخلاقی است که پیامدهای شوم دنیوی، معنوی و اخروی فراوانی را برای شخص به همراه دارد. از مهمترین عواقب غیبت این است که نور ایمان را در دل انسان کم می کند و انسان گرفتار می شود و اگر اتفاق بیفتد در توبه کردن باید عجله کرد تا دیگر تکرار نشود زیرا با غیبت شخصیت فرد شکسته شده و نمی تواند در جامعه حضوری فعال و با نشاط و همراه با کرامت و عزت داشته باشد.

به همین دلیل کتاب هایی در رابطه با غیبت نوشته شده است، کتاب هایی مانند: «آسیب شناسی اجتماعی غیبت» از حسن هادی حسینی به بررسی مهم ترین آسیب های غیبت در روابط اجتماعی و نقش و کارکردهای آن بیان می گردد. و همچنین در کتاب «آثار غیبت از دیدگاه ائمه اطهار(علیهم السلام)» از محسن فرمهینی فراهانی که به شناخت آثار غیبت از دیدگاه امامان است تا بتوان از این طریق و در جهت اصلاح رفتار و اعمال گام مثبتی برداشت و به دنبال آن به آرامش روانی دست یافت. ولی در این مقاله سعی شده است که به برخی پیامدهای اجتماعی و فردی غیبت علل و عوامل غیبت و درمان آن بپردازد. هدف از گردآوری مقاله این است که مردم با یکدیگر محبت، الفت، برادری، صداقت طلبی داشته باشند به طوری که همگی به منزله یک شخص باشند و چون غیبت موجب بروز ناامنی اخلاقی شده و کدورت ها را تشدید می کند مخل این هدف، والای اجتماعی اسلام است. لذا با توجه به مقدمه بالا این سوال ها مطرح می شود که: غیبت و پیامدهای اجتماعی آن در جامعه چیست؟ چه راهایی برای درمان غیبت وجود دارد؟ و علل و عوامل غیبت چیست؟ که در این مقاله به صورت مختصر به آن پرداخته شده است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم غیبت

غیبت در لغت مصدر غاب^۱ و اسم مصدر اغتیب^۲ است و غیبت از ریشه ی غیب بر چیزی که از چشم‌ها پوشیده باشد دلالت دارد.^۳ غاب نیز به معنی عاب یعنی عیب جویی و بیان آن صفتی که زشت است مانند غیبت، غیبت سخن چینی مرادف الاغتیاب است^۴ آنچه در غیاب شخص بدگویی می‌شود اگر در او باشد آن غیبت است و اگر در وی نباشد بهتان نامیده می‌شود و اگر روبرو گفته شود آنرا شتم (فحش) گویند غیبت در اصطلاح از گناهان کبیره به معنای بدگویی پشت سر دیگران است که در اسلام به شدت از آن نهی شده است. قرآن این گناه را همچون خوردن گوشت برادر مورد توصیف کرده است و علاوه بر ارتکاب غیبت گوش دادن به غیبت نیز حرام است غیبت پایمال کردن حق الناس به شمار می‌آیند. غیبت آن است که چیزی درباره ی کسی گفته شود که اگر به گوش وی برسد خوشش نیاید خواه آن گفته راجع به نقص و کاستی در بدن یا اخلاق یا در گفتارها و یا در رفتارهای مربوط به دین یا دنیای او باشد بلکه حتی اگر مربوط به کاستی‌هایی در لباس یا خانه یا مرکب وی باشد.^۵

۲- اقسام غیبت

۲-۱- موضوع

موضوع غیبت ذکر و یادآوری عیوب می‌باشد البته ذکر عیوب به نحو مطلق غیبت محسوب نمی‌شود بلکه بعضی موارد آن استثنا شده که در بحث جواز غیبت مطرح خواهد شد به غیر از آن موارد ذکر این عیوب گناه و یک امر ناهنجار محسوب می‌شود امام صادق (علیه السلام) در رابطه با این عیوب می‌فرمایند:

^۱ - جذری، النهایه فی الغریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۲۸۹.

^۲ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۵۶.

^۳ - مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۸۹.

^۴ - بستانی، المعجم الوسیط، ص ۵۲۱.

^۵ - نراقی، جامع السعادات، ص ۳۰۳.

انجام می‌یابد مانند نگارش مقاله یا نوشتن جزوه یا نامه و چیزهایی از این قبیل که با هدف بیان عیوب دیگران به کار گرفته شود یعنی عیوب مسلمانی را بنویسند و یا در مجله و روزنامه منتشر کنند.

۵-۲- کنایی

غیبت به کنایه مثل اینکه گویی: الحمدلله که خدا ما را مبتلا نکرد به هم نشینی ظلم. یا به حب ریاست یا سعی در تحصیل مال یا بگویی نعوذ بالله از بی‌شرمی یا خدا را محافظت کند از بی‌شرمی و غرض از این‌ها کنایه به شخص باشد که مرتکب این اعمال باشد و بسا که چون خواهد که غیبت کسی را کند از راه ریا و تشبّه به صلحا، ابتدا مدح او را می‌کند و مذمت خود را نیز می‌کند چنانچه می‌گوید فلان شخص چه بسیار خوب شخصی بود و روزگار او را نیز مثل ما کرد و از دست شیطان خلاصی نیافت. و یا این که بگوید فلان کاسب آدم خوش انصاف و ارزان فروشی است و طوری بگوید که کنایه از بی‌انصافی و گران فروشی فرد مورد نظر باشد و گاهی با یک جمله کنایی، انسان مومنی مورد غیبت قرار می‌گیرد در علم معانی بیان گفته شده است «الکنایه ابلغ من التصريح» کنایه در رساندن مقصود از کلام صریح رساتر می‌باشد. شهید ثانی در این باره چنین نگاشته است: «از بدترین نوع غیبت غیبتی است که مدعیان فهم و علم مرتکب آن می‌شوند به این گونه که مقصود خود را در قالب مصلحت و تقوا می‌ریزند تا چنین وانمود کنند که از غیبت پرهیز دارند اما با این سان سخن گفتن مقصود اصلی خود را به دیگران می‌فهمانند این جاهلان در حقیقت دو گناه ریا و غیبت را به هم آمیخته‌اند^۱.

۶-۲- اشاره ای

اشارت دست و چشم و ابرو از جمله مواردی هستند که غیبت به وسیله ی آنها انجام می‌گیرد مثلاً بیشتر عیبی از کسی بازگو شده است و مورد آن مشخص نبوده که با اشاره شخص غیبت کننده موضوع برای دیگران روشن می‌گردد یا به وسیله ی اشاره مخاطب یا مخاطبان به عیب انسان غایبی آگاهی می‌یابند مروی است که زنی بر عایشه وارد شد چون بیرون رفت عایشه با دست خود اشاره کرد

^۱ - شهید ثانی، کشف الریبه عن احکام الغیبه، ص ۶۲.

دیگران را مطرح کرده است این احتمال وجود دارد که مردم سخن او را نپذیرند، در این صورت او برای مصون ماندن از نکوهش خلق خدا نکوهشی حتمی و قطعی را از سوی خدا برای خود فراهم سازد در حالی که هیچ عاقلی برای کسب نفع احتمالی موهوم ضرر قطعی نقد را متحمل نمی‌شود از سویی چه بسا در این غیبت، نفع موهوم دنیایی به دست می‌آید در حالی که آن ضرر قطعی، معنوی است و با حقیقت سروکار دارد همچنین توجیه رفتاری اشتباه به این شکل که فلانی چنین کاری را کرد من هم می‌کنم خود جای پرسش دارد و بیان آن سخن آوردن عذر بدتر از گناه است چرا که نفس پیروی از عمل نادرست خلاف است و با عمل خلافی مثل غیبت نمی‌توان خلاف گذشته را پوشاند مورد دیگری که سبب غیبت می‌شود این بود که فرد با بیان عیب دیگران فضیلتی را برای خود اثبات کند و نشان می‌دهد که خود فاقد عیب است پرسشی که در این جا مطرح است و باید مورد توجه قرار گیرد این است که چگونه می‌توان با بیان عیب دیگری کمالی را برای خود اثبات کرد و آیا با این رفتار نادرست و عمل خلاف می‌توان فضیلتی به دست آورد در حالی که ارزش واقعی و فضیلت حقیقی انسان بهای او نزد خدا است و باید سعی کرد از آن فضیلت کاسته نشود افزون بر این چه بسا با غیبت دیگران از ارزش غیبت کننده نزد آنها کاسته و از او سلب اعتماد شود زبان کرد شخصی به غیبت دراز بدو گفت داننده ای سرفراز کی یادکسان پیش من بد مکن مرا بدگمان در حق خود مکن گرفتم ز تمکین او کم بود نخواهد به جا تو اندر نزور^۱.

۷- درمان عملی غیبت

۱- نخستین راه عملی که برای جلوگیری از غیبت سفارش می‌شود این است که انسان پیش از گفتن هر سخنی به مشروع یا مشروع بودن و سود و زیان‌های دنیایی و آخرتی آن توجه کند اندیشه در سخن پیش از بیان آن مانع بسیاری از گناهان زبان می‌شود. ۲- راه دوم انسان در معاشرت با دوستان یا شرکت در محافل، احتیاط بیشتری به خرج می‌دهد یعنی دوستانی را برگزیند که اهل غیبت نباشند و در مجالسی شرکت کنند که درباره ی دیگران سخن چینی نمی‌شود زیرا شرکت در مجالسی که در آن

^۱- سعدی بوستان.

غیبت می‌شود خوانا ناخواه بر روح انسان اثر می‌گذارد و از آن جا که شنیدن غیبت هم حرام است باید در مسأله دوست یابی و صله رحم دقت بیشتری کرد.

۳- راه سوم کمک خواستن از خداست که این خود دو گونه است: نخست اینکه انسان به صورت کلی و در هم اوقات از خدا درخواست کمک و یاری کند تا به رذایل اخلاقی چون غیبت دچار نشود این گونه در دعاها هم آمده «خدایا مرا از غیبت پناه ده»^۱ دوم در جایی که زمینه غیبت فراهم و آبروی فرد در خطر است و شرایط اقتضا می‌کند که شخص برای حفظ آبروی خود از دیگران غیبت کرده، عیوب ایشان را آشکار سازد در واپسین مرحله با خدا باشد و از او بخواهد که آبرویش را حفظ کند و بگوید «خدا با تو معامله می‌کنم و برای تو از آبرویم می‌گذرم و آن را به تو می‌سپارم تو خود آبروی مرا حفظ فرما» چرا که خداوند بهتر از هر انسانی در حفظ و نگهداری حیثیت انسان‌ها تواناست امیرالمومنین (علیه السلام) می‌فرماید: «غیبت انسان ناتوان است»^۲ کسانی که قدرت و تکیه‌گاهی داشته باشند به ویژه از لحاظ معنوی هرگز زبان به غیبت نمی‌آلایند.

^۱- مجلسی، بحارالانوار، ص ۳۴۳.

^۲- صبحی، نهج البلاغه، ص ۵۵۶.

نتیجه

عنوان مقاله پیش رو «غیبت و پیامدهای اجتماعی آن در جامعه» می باشد. که نیاز به درمان و توجه بیشتری دارد غیبت به عنوان یکی از مهمترین رذیلت های اخلاقی است که تمام سطوح زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد.

اهمیت این امر تا جایی است که روایات فراوانی دال بر آن است غیبت پیامدهای زشت و آزاردهنده ای برای غیبت شونده و غیبت کننده به بار خواهد آورد.

لذا با توجه به پیامدهایی که در متن مقاله بیان شد دریافتیم که غیبت می تواند به ترور شخصیت و هتک حرمت مؤمن، تضعیف روابط خانوادگی و اجتماعی و سلامت جامعه اثر بگذارد و مانع پذیرش اعمال نیک، انتقال نیکی ها، ایجاد دشمنی و اختلاف و عذاب الهی می شود.

غیبت مانند بسیاری از صفات ناپسند تدریجاً به صورت یک بیماری روانی در می آید، به گونه ای که غیبت کننده از کار خود لذت می برد و از بررسی پیوسته آبروی این و آن را بریزد، احساس رضا و خشنودی می کند و این یکی از مراحل بسیار خطرناک اخلاقی است.

این جا است که غیبت کننده باید قبل از هر چیز به درمان انگیزه های درونی غیبت که در اعماق روح اوست و به این گناه دامن می زند، پردازد و خود را از این بلای خانمان سوز نجات دهد.

منابع و مأخذ

✽قرآن

✽نهج البلاغه

الف) کتب فارسی

- ۱- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: کیهان، بی چا، ۱۳۷۰.
- ۲- تهرانی، مجتبی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، بی چا، ۱۳۹۵.
- ۳- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۰.
- ۴- سعدی، بوستان، فردوسی، تهران، بی چا، ۱۳۸۸.
- ۵- صبحی، صالح، نهج البلاغه، قم: موسسه دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴.

ب) کتب عربی

- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تهران: کتابچی، بی چا، ۱۳۷۷.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان: دارالاحیاء العربی، بی چا، ۱۴۰۸.
- ۸- بستانی، فؤادافرام، المعجم الوسیط، تهران: اسلامی، بی چا، ۱۳۸۷.
- ۹- جزری، عبدالواحد، النهایه فی غریب الحدیث، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

- ۱۰- جبلی عاملی، محمود، **كشف الريبه عن احكام الغيبه**، تهران: دارالاضواء، بی چا، ۱۳۹۰.
- ۱۱- حرعاملی، محمد بن الحسن، **وسایل الشيعه**، قم: موسسه فرهنگي و اطلاع رسانی تبیان، بی چا، ۱۳۸۷.
- ۱۲- شهیدثانی، زین الدین بن علی بن احمد، **كشف الريبه عن احكام الغيبه**، لبنان: بی نا، بی چا، ۲۰۲۱.
- ۱۳- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، تهران: انتشارات اسلامیه، بی چا، ۱۳۹۳.
- ۱۴- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی چا، ۱۳۶۴.
- ۱۵- طباطبایی، محمد حسین، **تفسیرالمیزان**، بیروت: موسسه الاعلمی المطبوعات، بی چا، ۱۳۹۰.
- ۱۶- طیب، عبدالحسین، **البيان فی تفسیرالقرآن**، تهران: اسلام، بی چا، ۱۳۷۸.
- ۱۷- کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، قم: انتشارات علمیه، بی چا، ۱۳۸۹.
- ۱۸- نراقی، محمد مهدی، **جامع السعادات**، نجف: بی نا، بی چا، ۱۳۶۸.
- ۱۹- نوری طبرسی، حسن بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل**، قم: موسسه آل البيت لأحیاء التراث، بی چا، ۱۳۹۳.